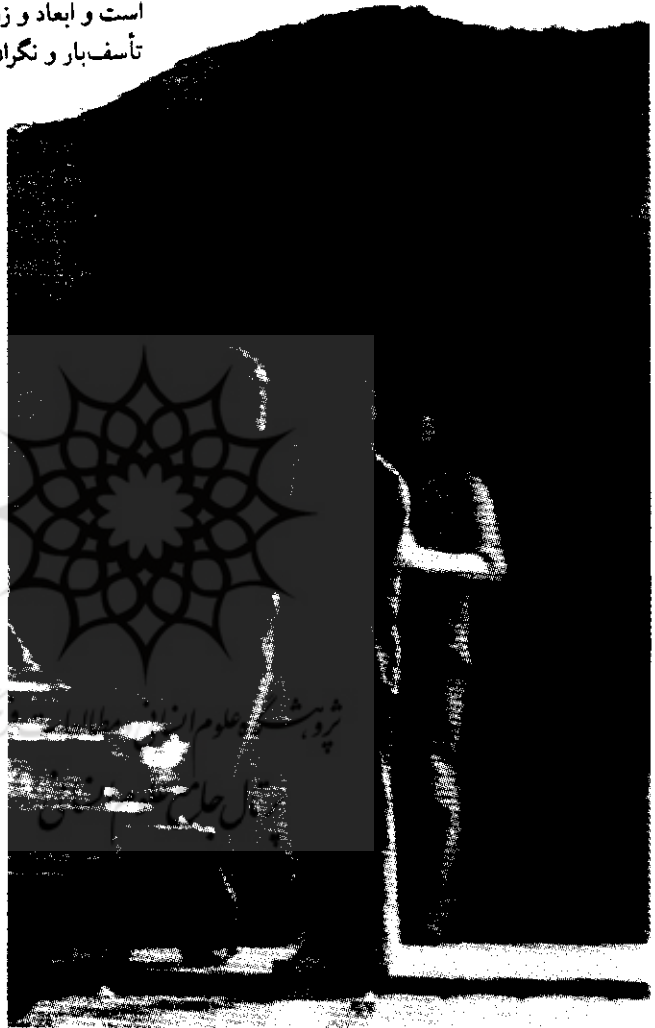


دوستی‌ها و معاشرت‌های خارج از مدار آگاهی خانواده‌ها در بین نوجوانان و جوانان ابعاد گسترده‌ای یافته است. این موضوع در چهره‌های متفاوت و در گوشه و کنار بعضی از شهرها در حال تکرار شدن است و ابعاد و زوایای این گونه معاشرت‌ها به نتایج تأسف بار و نگران کننده‌ای ختم می‌شود.



## نوجوانان و جوانان را دریابیم

دکتر علیرضا عصاره

جوانان، بخصوص دختران، خواهد انجامید.

اعتیاد یکی از نتایج اسفبار این تراژدی در حال تکرار در بخش‌هایی از کشورمان است. متأسفانه قربانیان اصلی این ماده خطرناک و کشنده، نوجوانان و جوانان هستند؛ سوداگران مرگ با تشکیل باندهای مافیایی ابتدا جوانان را به این مواد معتاد می‌کنند و سپس از آنان به عنوان عاملین اشاعه و فروش مواد استفاده می‌نمایند.

توزیع نوارها و تصاویر محرک در بین جوانان و نوجوانان برای به انحراف کشاندن و جذب آنان به باندهای انحراف از ابعاد دیگر تراژدی بی‌هویت ساختن نسل نوجوان و جوان ماست. میهمانی‌های جمعی و شبانه و دیدن "شوها" و فیلم‌های ماهواره‌ای چهره‌ای دیگر از این ماجراست.

به راستی چرا نوجوانان و جوانان هدف این پدیده شوم و کانون چنین بحرانی واقع شده‌اند؟ بعضی از عوامل مؤثر در هدف‌گیری نوجوانان و جوانان عبارتند از:

۱- نوجوانان و جوانان از پویاترین قشرهای اجتماعی به لحاظ فکری و خلاقیت هستند.

۲- نوجوانان و جوانان از قشرهای آسیب‌پذیر از نظر عاطفی و روانی به شمار می‌آیند.

۳- نوجوانان و جوانان مؤثرترین منبع حفظ و انتقال میراث فرهنگی در جامعه محسوب می‌شوند.

۴- نوجوانان و جوانان از احساس و عاطفه بیشتر و پختگی کمتر نسبت به بزرگسالان برخوردارند.

۵- جاذبه‌های جنسی و کشش‌های آنان نسبت به جنس مخالف بسیار قوی‌تر از سایر مراحل سنی است.

۶- تأثیرات گروه همسالان قوی‌ترین محرک برای تصمیم‌گیری و تعیین مسیر زندگی آنان است.

۷- مشکلات خانوادگی، رفتاری و تحصیلی زمینه و بستر مناسب‌تری برای آسیب‌پذیری اجتماعی آنان فراهم می‌کند.

متأسفانه خانواده‌ها از آثار تاریک و مبهم حاکم بسر این‌گونه معاشرتهای خیابانی بی‌اطلاعتند و یا زمانی نسبت به آن آگاهی می‌یابند که دیگر کاری از دستشان ساخته نیست و تنها باید نگرانی‌ها و ناراحتی‌های برجای مانده را تحمل کنند.

این معاشرت‌های آشکار و پنهان، روزانه و بارها در مقابل چشمان حیرت‌زده ما اتفاق می‌افتد و ما به رغم احساس غم‌انگیزی که نسبت به این پدیده داریم، از انجام هرگونه اقدام تربیتی ناتوان هستیم و هیچ کاری از دستمان بر نمی‌آید.

در این میان معلوم هم نیست که چه نهادی، در چه زمانی و با چه تدبیر و برنامه‌ای باید راه حلی مناسب برای این معضل اجتماعی بیابد و با چه تمهیداتی، راهی معقول و شیوه‌ای مصلحانه و مبتنی بر روش‌های صحیح تربیتی برای رویارویی با این پدیده نگران‌کننده اتخاذ کند و پیش پای نوجوانان و جوانان بگذارد، به گونه‌ای که مورد قبول آنان نیز واقع شود.

چرا این پدیده یک تراژدی است؟ پاسخ روشن است، زیرا در پس این ماجراها از یک سو باندها و افراد شیطان صفتی قرار گرفته‌اند که با ظاهری فریبنده و جذاب درصدد به دام انداختن قربانیان معصوم و ناآگاهند و از سوی دیگر قربانیان اصلی این سناریوی غم‌انگیز نوجوانان و جوانان ساده‌لوح و ناآشنا با اهداف پلید این دام گستران می‌باشند.

دوستی‌های پنهان نوجوانان و جوانان و بدون اطلاع خانواده‌ها، تنها وجهی از این ماجرای تأسفانگیز است. این دوستی‌ها فرجام و سرانجام ابهام آمیزی دارند و روش و مسیر صحیحی در آنها طی نمی‌شود. جوانان به خاطر ترس از مطلع شدن خانواده‌هایشان، در اضطرابی دائمی به سر می‌برند و با توسل به رفتارهایی ناصحیح از جمله دروغ، شرایطی مخاطره‌آمیز و خطرناک را طی می‌کنند. این دوستی‌های پنهانی اگر به فساد یا اعتیاد و فرار از خانه منجر نشود، به تباهی و مشکلات بعدی

فرهنگی برای جامعه روشن و شفاف باشد و کل نظام، ساختار فرهنگی آن و بزرگان و متولیان فرهنگ و تعلیم و تربیت از این سمت و سوا تبعیت و حمایت نمایند و برای حرکت جامعه در این مسیرها، متفق، هماهنگ و همسو عمل کرده، همدیگر را حمایت کنند. تعریف روشن ارزش‌ها و احترام به ارزش‌ها و سنت‌ها باید نزد همگان یکسان باشد. بنابراین میزان روابط و محدودیت‌های لازم در روابط زنان و مردان، معیارهای انتخاب موسیقی، وضعیت هنر و هنرمندان و آزادی‌های فردی و اجتماعی نیاز به تعریف روشن و شفاف دارد، چنانچه این تعاریف شفاف و مورد قبول همگان باشد، تکلیف بسیاری از شهروندان، بخصوص نوجوانان و جوانان روشن خواهد شد. بدیهی است که ارائه تعاریف روشن از ارزش‌ها و پایدها و نیایدها، نهادینه شدن آنها را به دنبال خواهد داشت و تجاوز از ارزش‌های نهادینه شده از سوی هر کس که باشد، خطایی آشکار و قانون شکنی محسوب خواهد شد و جامعه خود با قانون‌شکنان برخورد خواهد کرد.

#### ب) توجه به اقتدار و کارکرد نظام خانواده

بسیاری از مشکلات نوجوانان و جوانان و حتی مردان و زنان ما ریشه در عدم عملکرد صحیح نظام خانواده دارد. تغییر در مناسبات اجتماعی - اقتصادی و ایجاد تحول در ساختار سنتی خانواده و به وجود آمدن شرایطی که اعضای خانواده را ناگزیر می‌سازد بیشتر اوقات و فرصت‌های خود را در بیرون از این کانون مهم تربیتی سپری نمایند از یک سو و فاصله و شکاف میان نسل‌ها و عدم درک متقابل پدران و مادران و فرزندان، متناسب با تحولات اجتماعی از سوی دیگر، کارکرد و اقتدار سنتی خانواده و تأثیر سازنده و مؤثر آن بر فرزندان را تا حدودی دچار سستی و اختلال کرده است. امروزه فرزندان کمتر از گذشته از اقتدار و استحکام نظام خانواده حساب می‌برند و از نظام ارزشی حاکم بر آن تأثیر می‌پذیرند. پدران و مادران نیز متناسب

۸- تأثیرات فرهنگی، بخصوص تأثیرات فرهنگی بیرون‌مرزی با توجه به ویژگی‌های قوی بودن جاذبه‌های جنسی، در نوجوانان و جوانان افزونتر است.

۹- مشکلات اقتصادی، عدم اشتغال و عدم برخوردارگی از امکانات حمایتی و فرهنگی و بی‌برنامگی در اوقات فراغت بیشتر از دیگر مراحل سنی آنان را می‌آزارد.

۱۰- نسبت به سخت‌گیری و خشونت والدین و مریبان و پذیرش اقتدار یا استبداد رأی نسل قبل بسیار حساس‌تر و آسیب‌پذیرترند.

#### چه باید کرد ؟

برای جلوگیری از پدیده‌های نگران‌کننده و مشکلات دامنگیر نوجوانان و جوانان باید همه نهاد‌های مسؤل، متولیان فرهنگی و اجتماعی و رسانه‌های جمعی متعهدانه و دلسوزانه دست در دست هم بگذارند و با هماهنگی و همدلی کاری بزرگ را سامان بخشند، کاری که هر چه سریع‌تر باید انجام پذیرد و لحظه‌ای در آن تأخیر نشود، زیرا در غیر این صورت، مشکلاتی که ذکر آن رفت همچون سیلی بنیان‌کن جامعه را دچار ویرانی و ضایعات خواهد ساخت.

در این میان جناح‌های سیاسی نیز باید به خاطر حفظ عزت و حرمت فرزندان خود همت خویش را برای مبارزه با این پدیده شوم مصروف دارند و بدانند که کوتاهی آنها در این زمینه خطری بزرگ را برای عظیم‌ترین بخش و آسیب‌پذیرترین قشر جامعه، یعنی نوجوانان و جوانان رقم خواهد زد.

در طریق مبارزه با این معضل اجتماعی توجه به موارد زیر ضروری و سرنوشت‌ساز است:

الف) هماهنگی، همدلی و همسویی نهاد‌های مسؤل تربیتی، فرهنگی و اجتماعی

در ایجاد مشکلات تربیتی و فرهنگی هیچ عاملی به اندازه تفاوت و تعارض در اندیشه، الگوها و ساخت‌های مورد توافق جامعه مؤثر نیست. باید سمت و سوی بسیاری از ساختارهای اجتماعی و

وضعیت آینده، عدم امیدواری به موفقیت‌های آتی تحصیلی و شغلی و ابهام در وضعیت موجود تحصیلی و مشکلات نظام آموزشی است.

بخشی از این موضوع به نظام تعلیم و تربیت و شفافیت آن و بخش دیگر به برنامه اقتصادی - اجتماعی دولت مربوط می‌شود. نوجوانان و جوانان ما نیاز دارند که از آینده شغلی و تحصیلی خویش و مسیری که در زندگی آتی خویش طی خواهند کرد مطلع و نسبت به آن امیدوار باشند. اگر آنان ندانند که فرجام وضعیت تحصیلی شان چه خواهد بود، آیا به دانشگاه راه خواهند یافت یا خیر، آیا اگر به دانشگاه راه نیابند به شغل و زندگی ایده‌آل خود دست خواهند یافت یا خیر، آیا تلاش‌ها و زحمات فعلی آنان در تحصیل به نتیجه‌ای سودمند خواهند انجامید یا خیر و بسیاری سؤالات دیگر؛ در اضطراب و ناامیدی قرار می‌گیرند و این امر زمینه دلسردی و نگرانی آنان را نسبت به ادامه کار فراهم خواهد نمود. اما چنانچه متولیان و برنامه‌ریزان نظام آموزشی، مسیر تحصیلی و آینده کار و شرایط دستیابی به فرجامی روشن و موفق را به صورتی روشن و شفاف تعیین کنند و توفیق آنان را منوط به میزان تلاش و تکاپویشان در کار درس و تحصیل بدانند، امیدواری به آینده و دستیابی به شغل و زندگی مورد نظر، نشاط و پویایی را به آنان ارزانی خواهند داشت. همچنین دولت باید با فراهم ساختن امکانات اشتغال و یا تعهد نوعی بیمه بیکاری برای فارغ‌التحصیلان آماده کار، زمینه امیدواری برای نوجوانان و جوانان را مهیا کند.

آن‌گاه که امیدواری به آینده و زمینه موفقیت برای نوجوانان و جوانان فراهم شود؛ ناامیدی و یأس جای خود را به نشاط و پویایی خواهد داد، تلاش و تکاپو جایگزین رخوت و بسی تفاوتی و بیکاری خواهد شد و انگیزه‌های لازم برای زندگی سالم در نوجوانان و جوانان جان خواهد گرفت. در چنین شرایطی است که زمینه‌های تربیتی و پرورشی جلوه‌های خاص خود را خواهد یافت و چنانچه زمینه‌های تربیتی با فرهنگ عمومی جامعه همسویی و همراهی داشته باشد، به طور قطع آثار

با تغییر و تحولات عصر حاضر و نیازمندی‌های ضروری نسل کنونی شناخت لازم و کافی را ندارند. به همین دلیل شکاف و جدایی نسل‌ها که از پدیده‌های زندگی امروزی به شمار می‌آید، درک متقابل فرزندان و والدین را تا حدودی با مشکل مواجه ساخته است. چنین شکافی متأسفانه به تزلزل نظام ارزشی در خانواده‌ها دامن می‌زند و از این رو فرزندان علاقه و تمایلی به احترام یا تبعیت از بنیادهای ارزشی پدران و مادران خود نشان نمی‌دهند و ترجیح می‌دهند بیشتر از الگوها و ارزش‌های دوستان خود تبعیت کنند. پدران و مادران هم با توجه به عدم شناخت نسبت به قانونمندی تحولات و تغییرات جدید در فرزندان، قادر نیستند همچون گذشته آنها را در مسیر ارزشی مورد نظر و آرمانی شان راهنمایی و کنترل نمایند. بنابراین جدایی میان والدین و فرزندان باید از طریق نزدیکی و شناخت متقابل نسل‌ها و درک صحیح نیازمندی‌های نوجوانان و جوانان توسط والدین تا حدود زیادی ترمیم گردد، چرا که تنها با درک مسائل و مشکلات فرزندان و برخورد منطقی و تربیتی با آنان می‌توان به نوجوانان و جوانان نزدیک شد و دیوار بلند سردی و بی‌اعتمادی را فرو ریخت و جاذبه‌های ارزشهای مقدس خانوادگی را در دل فرزندان ایجاد کرد. پدران و مادران باید فضای اعتماد، همدلی، برخورد منطقی و مستدل برای حل مشکلات را در حریم خانواده ایجاد نمایند و اجازه دهند که فرزندان آنها بدون ترس، واژه و اضطراب مسائل و مشکلات خویش را در کانون گرم خانواده مطرح نمایند و والدین همانند مشاور دلسوز در یافتن راه حل مشکلات با آنان رفتار کنند.

### ج) همراهی و همسویی نظام تعلیم و تربیت و فرهنگ عمومی جامعه

یکی از زمینه‌هایی که برای نوجوان و جوان ایجاد اضطراب و نگرانی می‌کند و این امر به دلسردی از نظام تعلیم و تربیت و یأس و خدای ناکرده بزهکاری منجر می‌شود، روشن نبودن

مفید و مؤثر خویش را در قوام و استحکام بنیان‌های تربیتی و ارزش‌های متعالی پر دل و جان نوجوانان و جوانان بر جای خواهد گذاشت.

#### د) رسانه‌های جمعی

بی‌شک امروزه نقش عظیم و گسترده رسانه‌ها بر مردم و بخصوص نوجوانان و جوانان بی‌همگان روشن است. بی‌جهت نیست که به دلیل گسترش امکانات ارتباطی و اطلاعاتی جهان، به صورت "دهکده‌های کوچک" در آمده است، دهکده‌ای که شهروندان آن بر سر چهار راه‌های اطلاعاتی آن به سر می‌برند. امروزه افکار و اندیشه‌های نوجوانان و جوانان ما به شدت تحت تأثیر نویسندگان مطبوعات، مؤلفان کتابها و ادبیات مخصوص کودکان و نوجوانان از یک سو و رسانه‌ی تصویری پرتأثیر تلویزیون از سوی دیگر قرار دارد. بنابراین صاحبان اندیشه و قلم و دانشگاه بزرگ صدا و سیما

در ساخت و جهت‌دهی فکری و شخصیتی نوجوانان و جوانان نقشی انکارناپذیر به عهده دارند. این نقش انکارناپذیر هنگامی که منبعث از رسالت اعتقادی، عرق ملی و جهت‌گیری فرهنگی و انقلابی باشد، به طور قطع تأثیری شگرف بر شکل‌گیری شخصیت مستقل و خلق و خوی انقلابی و ارزشی جوانان ما بر جای خواهد گذاشت. جوانان ما در برهه‌هایی از تاریخ انقلاب اسلامی حماسه‌های عظیمی در پیروزی انقلاب و نیز دفاع از کشورمان خلق نمودند و نماینده‌های از همین نوجوانان نارنجک به خود بست و زیر تانک دشمن رفت و همو را رهبر کبیر انقلاب اسلامی رهبر خود نامید. بنابراین جوهره و ذات نوجوانان و جوانان ما پاک و منزه است و رسانه‌ها در هدایت و الگوسازی مؤثر برای آنان نقشی اصلی و اساسی دارند.

#### ه) مشکلات اقتصادی و اجتماعی نوجوانان و

#### جوانان

یکی از دشواری‌های خانواده‌ها و نوجوانان و جوانان تأمین نیازمندی‌های اقتصادی آنان است. البته این مشکل زمانی بسیار حاد می‌گردد که جوان می‌خواهد تشکیل خانواده بدهد، اما تمکن لازم را ندارد و حتی شغل مورد نظر خود را نیز نمی‌تواند پیدا کند. به نظر می‌رسد که در این خصوص دولت باید فکری جدی و برنامه‌ای اساسی مطرح کند. بدون تعارف باید پذیرفت مادام که دولت مسؤلیت تأمین شغل یا نوعی بیمه بیکاری و نیز تهیه مسکن برای شروع زندگی جوانان را عهده‌دار نشود، نمی‌توان امنیت لازم برای سلامت فکری و روانی جوانان را تضمین کرد و نیز نمی‌توان میزان بزهکاری‌هایی را که در نتیجه فقر و بیکاری جوانان به وقوع می‌پیوندد کاهش بخشید. امید به آینده و نشاط و پویایی جوانان در نتیجه نامشخص بودن شغل و وجود ابهام در امر تأمین زندگی، به یأس و دلسردی منجر خواهد شد. از سوی دیگر پدران و مادران نیز باید برای تأمین هزینه‌های ضروری فرزندان نوجوان و جوان خود مورد حمایت قرار



جلوگیری می‌کنند. البته ذکر این نکته نیز ضروری است که فردی که به کاری گماشته می‌شود باید نسبت به حاصل کار خود به صورتی مولد و سازنده معتقد باشد و نباید تصور کند که آثار و نتیجه کار او عبث و بیهوده است و فقط برای این که مزدی به او بدهند، او را مشغول نموده‌اند.

### ح) پر کردن مفید اوقات فراغت

اگر با دقت توجه کنیم، هم بیکاری را ریشه بسیاری از بزهکاری‌ها می‌بینیم و هم انسان‌های بیکار و سرگردان را برای ابتلا به اختلالات رفتاری، یأس و ناامیدی، انحرافات جنسی، تمایل به پناه بردن به مواد مخدر و از دست دادن عزت نفس و تسلیم شدن به باندهای بزهکار، مساعدتر می‌بایم. بدین ترتیب این یک اصل تربیتی است که باید از بیکاری و سرگردانی انسان، بخصوص نوجوانان و جوانان جلوگیری کرد و تلاش و تکاپو را جایگزین آن ساخت. البته همه افرادی که کار می‌کنند نیاز به اوقاتی آزاد دارند تا بر اساس ذوق و سلیقه خویش به موضوع مورد علاقه خود بپردازند. اوقات فراغت برنامه‌ریزی شده که مبتنی بر ذوق و سلیقه افراد باشد، دارای مزایای تربیتی فراوانی است که جای ذکر آن در این جا نیست و علاقه‌مندان می‌توانند به نوشته‌هایی در این زمینه مراجعه کنند.<sup>۱</sup> اما آنچه قابل ذکر است این که حتی اگر برای افرادی که شاغلند و باید در اوقات بیکاری و فراغت، به سرگرمی مورد علاقه خود بپردازند، تمهیدات لازم صورت نپذیرد و افراد در زمان فراغت بدون برنامه باشند، این امر هم متأسفانه زمینه ایجاد ضایعات و مشکلاتی را فراهم می‌آورد که باز هم به بزهکاری و اختلالات رفتاری می‌انجامد. بنابراین برنامه‌ریزی برای اوقات فراغت گروه‌های سنی مختلف، بخصوص نوجوانان و جوانان از اصول مهم تربیتی و اجتماعی است که دولت و همه دستگاه‌ها و مسؤولان ذی‌ربط باید در سطح ملی به آن توجه کنند.

گیرند. متأسفانه بعضی از خانواده‌ها در تأمین هزینه تحصیلی فرزندان خود در دوران مدرسه و یا دانشگاه با مشکل مواجهند و دولت باید با تمهیداتی معین اقدامات حمایتی خود را برای این قبیل نوجوانان و جوانان به انجام برساند. همچنین نوجوانان و جوانان باید از طریق نهادهای اجتماعی همچون سازمان جوانان، کانون‌های دانش‌آموزی و دانشجویی، تشکل‌های سیاسی و فرهنگی و مشارکت فعالانه در این نهادها مورد توجه و عنایت قرار گیرند و بتوانند به ابراز عقاید، اندیشه‌ها و نظریات خویش بپردازند.

### و) تأمین امکانات فرهنگی برای نوجوانان و جوانان

هر قدر که امکانات فرهنگی در جامعه‌ای توسعه یابد، این امر به توسعه فرهنگی بخصوص در میان قشر نوجوان و جوان خواهد انجامید. افزایش فرهنگسراها، کتابخانه‌ها، کانون‌های علمی، هنری و مراکز تفریحی مانند بوستان‌ها، سینماها، سالن‌های نمایش، کانون‌های شعر و ادبیات، سخنرانی‌های علمی و اجتماعی، تولیدات نوشتاری، از جمله کتاب، مطبوعات و ... در ایجاد و اشتغال فرهنگی مؤثر است و غنی‌سازی اوقات نوجوانان و جوانان را در مسیر بهره‌گیری از امکانات فرهنگی و نهایتاً رشد و توسعه فرهنگی میسر می‌سازد.

ز) رفع بیکاری و ایجاد اشتغال مولد و سازنده بیکاری هم ناامیدی و یأس ایجاد می‌کند، هم عامل رخوت و سستی است و هم ریشه بسیاری از مشکلات و بزهکاری‌ها به شمار می‌آید. در جوامعی که به زبان‌های ناشی از بیکاری واقفند، حتی در شرایطی که نتوانند شغل‌های مورد نیاز افراد را تأمین کنند، از طریق سپردن مسؤلیت‌هایی به افراد بیکار، هم به معضلات ناشی از بیکاری خاتمه می‌دهند و هم با تأمین بخشی از هزینه‌های فرد، عملاً از برخی بزهکاری‌های احتمالی یا مشکلات روحی و روانی که آن هم می‌تواند علت بعضی از مشکلات، از جمله اعتیاد یا بزهکاری باشد،

خانواده‌ها نیز باید با جدیت و عنایت خاص نسبت به مسائل فرزندان خود، هوشیارانه مراقب برنامه‌های آنان، دوستی‌های ایشان و وضعیت رفتاری و تحصیلی آنها در مدرسه، دانشگاه و جامعه باشند. فراموش نکنیم که هرگونه غفلت و بی‌توجهی در این خصوص ممکن است به مشکل بزرگ و لاینحلی تبدیل شود. خانواده‌ها باید بدانند که شیوه زندگی، ارتباطات، احترام به ارزش‌ها و سنت‌ها و پیچیدگی‌های زندگی امروزین انسان‌ها با زندگی اجتماعی در گذشته متفاوت است و نباید به سادگی با آن مواجه شد و از مسائل و مشکلات پیش آمده برای نوجوانان و جوانان غافل گردید. همان‌طوری که قبلاً نیز گفته شد، خانواده‌ها باید هم نحوه رفتار مطلوب و معقول با فرزندان خود را متناسب با سن و جنس آنان تشخیص دهند و بر اساس آن عمل نمایند و هم بر پیچیدگی‌های رفتار اجتماعی و مشکلات احتمالی فرزندان خود واقف باشند و متناسب با آن اقدام کنند. در چنین صورتی فرزندان آنها یله و رها نبوده، والدین خواهند توانست هدایت و کنترل مورد نیاز را اعمال کنند. همچنین محیط خانوادگی و نحوه رفتار والدین باید به گونه‌ای باشد که اعتماد فرزندان نسبت به آنان جلب گردد و بتوانند بدون ترس و واژه مشکلات و مسائل پیش آمده را با پدر و مادر خویش در میان بگذارند و چون مشاورانی امین از آنان راه‌حل بخواهند.

#### ی) محدودیت مهاجرت و ضابطه‌مندی شهرهای بزرگ

بعضی از مشکلات، خاص شهرهای بزرگ است و بی‌ضابطگی در ترکیب جمعیت و عدم هماهنگی و نظارت بر بافت شهری؛ نظم و انتظام اجتماعی و فرهنگی را کاهش داده، زمینه‌ساز مسائلی از قبیل بی‌هویتی فرهنگی، عدم پای‌بندی به میراث و ارزش‌های فرهنگی پذیرفته شده ملی و اعتقادی می‌گردد. تحت چنین شرایطی کنترل اجتماعی بر افراد نیز کاهش می‌یابد و این امر

#### ط) مراقبت از نوجوانان و جوانان، و وظیفه‌ای ملی و خانوادگی

شک نیست که دام‌های فراوانی برای فریب دادن نوجوانان و جوانان ما توسط باندها و گروه‌های آلوده و بزهدار در ابعاد مختلف مهیاست. باندها و گروه‌ها و افراد شیاد از سادگی، احساس جوانی، مشکلات خانوادگی و تحصیلی، فقر فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی و مواردی از این قبیل سوء استفاده می‌کنند و با قرار گرفتن در مسیر نوجوانان و جوانان، با ظاهری اقناع‌کننده و فریب‌دهنده آنان را در دام شیطانی خویش گرفتار می‌سازند و متأسفانه زمانی مسأله برای خانواده‌ها، جامعه و خود افراد گرفتار شده روشن می‌شود که دیگر کمک برای رهایی خیلی دیر و دشوار گردیده است. از آن‌جا که همیشه پیشگیری بهتر از درمان است، برای پیشگیری از مشکلات و مسائل متفاوتی که بر سر راه نوجوانان و جوانان ماست باید مراقبت ملی و خانوادگی از این قشر ارزشمند به عمل آید. ممکن است بعضی از نوجوانان و جوانان گرامی با این سخن موافق نباشند و بگویند: چرا مراقبت؟ مگر آنان قادر به تشخیص بد و خوب خود نیستند؟ در پاسخ باید گفت که تشخیص خوبی و بدی امری نسبی است، زیرا اگر تشخیص انسان‌ها در تعیین خوب و بد مطلق بود، دیگری نیازی به پیامبران الهی برای هدایت انسان‌ها نبود. وانگهی به رغم حسن نیت و صداقت نوجوانان و جوانان در تشخیص خوب و بد خویش، وجود انسان‌های گرگ صفت و متجاوز به حقوق مردم اقتضا می‌کند از نوجوانان و جوانانمان که سرمایه‌های اصلی جامعه و کشورمان به شمار می‌آیند محافظت و صیانت کنیم، به همین دلیل وظیفه‌نهادهای ملی و اجتماعی است که برای امنیت اجتماعی و فراهم ساختن محیطی امن و منزّه که جایگاهی برای باندها، گروه‌ها و انسان‌های آلوده و بزهدار و متجاوز به عرض و ناموس مردم وجود نداشته باشد، تلاش و اهتمامی جدی به عمل آورند. از سوی دیگر

در حاشیه‌های شهری که عمدتاً از مهاجران به شهر تشکیل می‌شوند، اتفاق می‌افتد که آن هم ناشی از استحاله فرهنگی یا کم رنگ شدن هویت فرهنگی و فرهنگ ارزشی مهاجران در مقابل فرهنگ شهرهای بزرگ است. این در حالی است که میزان بزهکاری و ناسازگاری در شهرهایی که از بافت جمعیتی هماهنگ و انسجام فرهنگی برخوردارند، به مراتب کمتر می‌باشد. بنابراین یکی از معضلات بزرگ شهرنشینی، مهاجرت بی‌رویه به شهرها، بخصوص شهرهای بزرگ، نبود محدودیت در امر مهاجرت و حاکم نبودن ضوابطی برای اسکان در بافت معینی از شهر می‌باشد، که این امر زمینه‌ساز یا حداقل تسهیل کننده بزهکاری‌های اجتماعی می‌باشد. راه حل مشکل آن است که اولاً میزان مهاجرت‌ها کنترل شود، ثانیاً مهاجرت‌های ضروری منطبق بر قواعد و ضوابط معین باشد تا بافت و فرهنگ شهری را مختل نسازد، ثالثاً افراد مهاجر به لحاظ فرهنگی و ارزشی مورد حمایت جدی قرار گیرند تا هویت فرهنگی و ارزشی آنان استحاله نشده، در مقابل فرهنگ شهر بزرگتر رنگ نبازد.

موجب تسهیل در بزهکاری اجتماعی می‌شود. فردی که در شهری کوچک زندگی می‌کند، اگر تصمیم بگیرد مرتکب نوعی بزهکاری شود، با توجه به آشنایی مردم با وی، انجام عمل خلاف دشوار می‌گردد. این موضوع کنترل اجتماعی نام دارد که متأسفانه در شهرهای بزرگ به دلیل ناهماهنگی بافت شهری و جمعیتی به شدت کاهش یافته، میزان ارتکاب جرایم را افزایش می‌دهد. نه تنها میزان جرایم در شهرهای دارای بافت غیرهمسان و ناسامتجانس افزایش می‌یابد، بلکه بعضی از ناسازگاری‌های اجتماعی و مشکلات خانوادگی نیز تابعی از این قاعده می‌باشد. به فرض وقتی که آمار طلاق در فاصله زمانی پنج ساله ۱۳۷۵ - ۱۳۷۱ را مشاهده می‌کنیم، متوسط آن در کل کشور ۷/۳۸٪ و متوسط میزان طلاق در تهران در همین سال‌ها بالاترین حد در میان استان‌های کشور، یعنی ۱۲/۸٪ می‌باشد. در صورتی که این میزان در استانی چون یزد که ترکیب جمعیتی آن متجانس است و معیارهای فرهنگی جایگاه خاص خود را دارند، ۲/۹۶٪ می‌باشد. از این مقایسه آماری می‌توان بر تأثیر کنترل اجتماعی بر سازگاری‌های خانوادگی به خوبی پی برد. اگر بررسی‌های انجام شده در خصوص میزان بزهکاری‌ها در شهرها را مورد توجه قرار دهیم، درمی‌یابیم که درصد بالاتری از بزهکاری

#### پی‌نوشت :

- ۱- عصاره، علیرضا: اوقات فراغت، پیوند شماره ۲۲۵، ۲۲۶ و ۲۲۷، صفحه ۲۹، تابستان ۷۷.

#### منابع :

- ۱- شریعتمداری، علی: فلسفه و اصول تعلیم و تربیت، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۲.  
 ۲- عصاره، علیرضا: نشریه پیوند، شماره‌های ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، تابستان ۱۳۷۷.  
 ۳- روزنامه کار و کارگر، صفحه ۵، ۷۸/۲/۲۶.  
 ۴- شریعتمداری، علی: روان‌شناسی تربیتی، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۷.